



25 جولای 2014



داکتر سید عبدالله کاظم

بن بست انتخاباتی شکست، اما آینده هنوز تاریک است!

حکومت متشکل از یک تیم کاری است!

گفته میشود که افغانستان متشکل از اقوام و زبانهای متعدد است و هیچ حکومت بر مبنای «تک قومی» قادر به اداره کشور و حفظ امن و ثبات نمیشود، لذا باید همه اقوام در ساختار حکومت شریک باشند و حکومت باید با «مشارکت» آنها تشکیل گردد. در اینجا اگر مقصد از رئیس دولت یا حکومت است که باید از یک قوم یا تبار مشخص باشد، این گزینه را اکنون انتخابات نفی کرده و هر یک واجد شرایط از هر قوم و تباری حق دارد خود را به آن مقام کاندید کند و میتواند با اخذ رأی اکثریت مطابق به قانون به آن جایگاه برسد. اما اگر مقصد از مشارکت همه اقوام در حکومت باشد، در این صورت باید گفت که حکومت عبارت از یک تیم کاری است که برای تحقق یک «پلتفورم» سیاسی مشخص باهم همکاری و متعهد در اجرای امور مربوطه میباشد. این پلتفورم در جریان انتخابات بوسیله کاندید ها به مردم عرضه میگردد و مردم به طرفداری آن رأی میدهند. همچو پلتفورم میتواند از طریق یک حزب سیاسی و یا از طریق یک تیم طرح و به مردم پیشکش شود و تیم در صورت موفقیت به اجرای آن در عمل به مردم تعهد می سپارد. در این راستا نخبه ترین شخصیت ها از هر قوم، تبار، مذهب و غیره میتوانند دور هم جمع شده و به حیث اشخاص عامل در ایفای تعهدات مندرج پلتفورم مذکور عملاً در راس مقامات مختلف حکومت مسئولانه نقش بازی کنند.

در اینحال ما در طول تاریخ معاصر خویش شاهد این بوده ایم که ولو رئیس دولت روی تعاملی منسوب بیک قوم بوده، ولی حکومت او همیشه متشکل از مخلوطی از اقوام دیگر تشکیل شده و لذا آنچه را مدعیان حکومت «تک قومی» بیان میکنند، حقیقت نداشته است. همین حالا در انتخابات جاری همه شاهد هستیم که در هر دو تیم ترکیبی از اقوام به مشاهده میرسد که روی اهداف مشخص دور هم آمده و تشکیل یک تیم سیاسی را داده اند. مثلاً در تیم اصلاحات و هم گرایی هم پشتون، هم هزاره و تاجک و از بیک باهم کنار آمده اند. در تیم تحول و تداوم به عین شکل ترکیبی از اقوام مختلف کشور را میتوان دید که باهم یک تیم سیاسی را شکل داده اند. اینکه انگیزه های اشتراک این شخصیت ها در هر تیم چه است و در پساپردۀ آن چه اهدافی نهفته میباشد - منافع قومی یا شخصی و یا دلایل دیگر - موضوع جداگانه است.

اکنون که موضوع تشکیل یک حکومت «وحدت ملی» بین دو جناح رقیب انتخاباتی مطرح شده است، مدعیان این اندیشه میکوشند به چنین حکومتی که اصلاً «مشارکتی» است، آنرا با نام «وحدت ملی» رنگ آمیزی کنند. اگر بدقت بررسی شود، واضح میگردد که این نوع حکومت در اساس بیشتر نمایانگر یک نوع «اتحاد جناحی» است تا مظهر یک حکومت وحدت ملی واقعی، زیرا وحدت ملی احساس هر فرد است که خود را منسوب به یک ملت میداند و نفع زیان آنرا، نفع و زیان خود می شمارد و در برابر آن احساس مسئولیت میکند. هرگاه این احساس ظریف در گروه منافع شخصی یا گروهی قرار گیرد و افراد منافع قومی، زبانی و یا مذهبی خود را بالاتر از منافع ملی بدانند، در آن صورت وحدت ملی مفهوم واقعی خود را از دست میدهد. متأسفانه در کشور ما کسانی که در زبان از وحدت ملی صحبت میکنند و در این راستا شعار های بلند و بالا را به زبان میرانند، ولی در عمل اتکای شان به «وحدت قومی و زبانی» است. این «دو روئی» حقیقت تلخی است که کشور و مردم ما را در آستانه سقوط و تباہی قرار داده و مسئول این وضع یک عده قدرت طلبانی استند که با طرح همچو مسائل یک تعداد مردم شریف ما را اغوا کرده و از موجودیت آنها به نفع خود در راه رسیدن بقدرت بهره برداری سوء مینمایند. آنها در زبان از دموکراسی سخن می رانند، اما در عمل راه حل مشکلات را در شیوه های عنعنوی قومی در جرگه های خصوصی بین چند نفر جستجو میکنند و به خود حق میدهند تا سرنوشت یک ملت را بجای راه حل های قانونی، از طریق مصلحت های شخصی و گروهی حل

د پانو شمیره: له 1 تر 18

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

نمایند. در اینحال با تأسف که ملت به حیث ابزار و وسیله ای تبدیل گردیده و بدست چند خودخواه قدرت طلب افتاده است.

این وضع در جریان مبارزات انتخاباتی دور اول و دوم ریاست جمهوری امسال واضح گردید و همه شاهد بودیم که چگونه نقاب ها از چهره ها فرو افتاد و مردم به عمق فاجعه قدرت طلبی پی بردند و کشور به یک بن بست خطیر مواجه شد. نمونه آشکار همچو حالت را میتوان در جریان رویدادهای اخیر و در شعار دادن ها در مظاهرات و همچنان در وضع آشفته و نا به سامان یک هفته قبل در زیر خیمه لویه جرگه مشاهده کرد که همه عیان بود و در اینجا حاجت به بیان مکرر ندارد.

تفاهم بین دو کاندید:

با پا درمیانی جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا یک قسمت معضله انتخابات ریاست جمهوری در رابطه با جدا ساختن آرای «پاک از ناپاک» در دور دوم یک راه حل عملی پیدا شد که برای مشروعیت اداره بعدی یک اقدام مفید محسوب میشود، ولی قسمت دیگر معضله که به نظر من مهمترین بخش آنست، هنوز هم در پرده ابهام قرار دارد. در اثر این پا درمیانی دو کاندید مطرح - داکتر اشرف غنی احمدزی و داکتر عبدالله عبدالله باهم موافقه کردند تا: برای شفافیت نتیجه انتخابات همه آرای ریخته شده در صندوق ها تحت نظارت نهاد های بین المللی با معیارهای معتبر جهانی درکابل مجدداً بازرسی گردند و برای اینکار تمام صندوق های رأی به وسیله نیروهای آیساف به مرکز انتقال داده شده و امنیت آن توسط نیروهای مشترک امنیتی افغان و آیساف گرفته شود؛ همچنان هر دو کاندید موافقه کردند تا نتایج بررسی ها را پذیرفته و بازنده انتخابات به برنده آن تبریک گوید و نیز از رئیس جمهور تقاضا گردید که تاریخ مراسم تحلیف را الی معلوم شدن نتایج نهائی که احتمالاً بروز پانزدهم سنبله خواهد بود، به تأخیر اندازد. موضوع مهم دیگر در این توافق همانا تشکیل یک حکومت «وحدت ملی» بعد از اعلام نتایج نهائی میباشد که درباره چگونگی و جزئیات آن از جانب دو کاندید در اعلامیه منتشره رسماً چیزی گفته نشده است.

خوشحالم از اینکه جان کری توانست دوطرف را در مورد بررسی مجدد همه آراء قناعت دهد و از ادامه آنچه که در هفته گذشته در خیمه لویه جرگه رخ داده بود و برمیبنای آن تشکیل یک حکومت موازی و اعلام ریاست جمهوری داکتر عبدالله با پاره کردن عکس رئیس جمهور بر حال کشور و نصب عکس داکتر عبدالله بجای آن توسط گماشتگان تیم «اصلاحات و هم گرایی» مطرح شد، جلوگیری گردید. خوشبختانه داکتر عبدالله بزودی متوجه شد که عده ای از حامیان او بیک ماجرا جوئی خطیر دست یازیده بودند که اگر وضع به همان منوال ادامه می یافت، به یقین که به موقف سیاسی موجود او چنان لطمه وارد می شد که دیگر میدان باختگی او نه تنها در نتیجه انتخابات، بلکه بطور کلی به حیث یک رهبر سیاسی ناعاقبت اندیش در اذهان عامه و در تاریخ رویداد های کشور به عنوان یک لکه سیاه ثبت میگردد.

در اینجا نمیخواهم درباره سؤالاتی بحث کنم که طی چند هفته قبل در ارتباط با «تقلب گسترده» و اتهامات وارده بر رئیس دارالانشای کمیسیون مستقل انتخابات و در مجموع بر هر دو نهاد مسئول انتخابات و نیز کشاندن پای رئیس جمهور کرزی در مهندسی این اوضاع مطرح گردید. این موضوع در چند هفته اخیر به خصوص در «میز گرد» های تلویزیونی از جانب ستاد های انتخاباتی هر دو طرف با ذهنیت سازی های منفی علیه یکدیگر و نیز برخورد طرفداران و مخالفان آنها در فیس بوک و توئیتر متأسفانه طوری انعکاس یافت که از یکطرف به باور مردم به انتخابات و دموکراسی صدمه رسانید و از طرف دیگر آنها را نگران وضع آینده کشور ساخت. امیدوارم به یک قسمت سؤال های مربوط به «تقلب» طی بررسی های مجدد آراء جواب گفته شود و معلوم گردد که تقلب تاچه حد «گسترده» بود و آیا این گستردگی میتواند بر مشروعیت انتخابات که تیم اصلاحات و هم گرایی بر آن تأکید میکرد، اثر داشته باشد و یا اینکه همه ادعا های مبنی بر تقلب گسترده جز بهانه گیری برای مغشوش ساختن اوضاع و استفاده های ضمنی از آن به هدف دستیابی در یک گوشه قدرت در حکومت چیزی بیش نبود؟

اکنون در اثر پا درمیانی جان کری طرفین موافقه کرده اند که پس از اعلام نتایج نهائی آنها حکومت «وحدت ملی» را تشکیل میدارند، ولی ترس من از آنست که بر آوردن این هدف در همچو مقطع حساس بار دیگر وضع را به یک بن

بست جدید توأم با جدالها و تنش های مزید مواجه سازد، زیرا در تشکیل همچو حکومت سؤال های جدی وجود دارد که در این نوشته میخوام توجه را به برخی از مسائل آن جلب دارم:

حکومت «وحدت ملی» یعنی چی؟

به این اساس باید ما ترکیب حکومت بعدی را نه بنام حکومت «وحدت ملی»، بلکه بهتر است آنرا یک حکومت «مشارکتی از دو جناح رقیب» یا «اشتراک اپوزسیون در تشکیل حکومت» یاد کنیم. در همین ارتباط سخنگوی تیم اصلاحات و هم آهنگی سید آقا سنچارکی به گزارشگر طلوع نیوز گفت: «حکومت وحدت ملی را میتوان حکومت مشارکتی نام گذاشت... و ما حکومت مشارکتی را می پذیریم». او طی یک مصاحبه دیگر با رادیو آزادی توضیح کرد که: «هدف از حکومت وحدت ملی همین است که به یک شکلی مشارکت صورت گیرد و ظرفیت های موجود سیاسی افغانستان در قالب یک حکومت واحد جایجا شوند، حکومت ائتلافی نیست و حکومتی خواهد بود که مبتنی به برنامه کاندید پیروز است و طبعاً از تجارب نیروهای سیاسی تیم دیگر استفاده صورت میگیرد».

در این حال سخنگوی ستاد انتخاباتی دکتر اشرف غنی خانم ازینا رفعت می گوید: «نامزدی که نتواند بیشترین آرای مردم را به خود اختصاص دهد، حق دارد با استفاده از راه های قانونی در نظام آینده کشور شرکت کند» و حمیدالله فاروقی سخنگوی ارشد تیم تحول و تداوم میگوید که: «حکومت وحدت ملی از یکطرف نگرانی های هردو تیم را رفع میکند که آنها در صورتیکه برنده نشوند و رأی اکثریت مردم را نداشته باشند، طبعاً این اندیشه و نگرانی در نزد شان وجود دارد که به حاشیه کشانده میشوند و دیگر اینکه این مسأله در واقع زمینه پذیرش نتایج انتخابات را نیز اسان می سازد و از طریق حکومت وحدت ملی این آرزومندی را برآورده می سازد».

اما بعضی از آگاهان مسائل حقوقی می گویند که ایجاد حکومت وحدت ملی در واقع مفهوم ایجاد یک حکومت ائتلافی را افاده میکند، چنانکه نصرالله ستانکزی یکی از این آگاهان اذعان میدارد که: «اساساً حکومت وحدت ملی در دولت های به میان می آید که پس از جنگ ها و بحران های قومی این حکومت تشکیل میشود... کاربرد کلمه وحدت ملی در اینجا هیچ جا ندارد، میتوانیم بگوئیم که حکومت ائتلافی که منظور آن تأمین بیشتر وحدت ملی است که به وجود می آید، نامش را هرچه می گذارند، از نظر علوم سیاسی چنین تشکیل حکومت ائتلافی است». (گزارش راتب نوری، تحت عنوان «ایجاد حکومت وحدت ملی چی معنی دارد، منتشره طلوع نیوز، مورخ 22 سرطان 1393 - 13 جولای 2014 و گزارش فریبا واحدی - تفاوت بین حکومت وحدت ملی و حکومت ائتلافی؟»، منتشر رادی آزادی، مورخ 22 جولای 2014)

محمد محقق معاون دوم داکتر عبدالله عبدالله طی یک مصاحبه با بی بی سی (22 جولای 2014) در زمینه وضاحت بیشتر داد و گفت: «درحکومت وحدت ملی برنده انتخابات رئیس جمهور و بازنده رئیس شورای اجرائی خواهد شد.. و به این اساس تا دو سال دیگر و با ایجاد تعدیل در قانون اساسی، پست ریاست اجرائی به پست صدراعظمی تبدیل خواهد شد»، اما فیض الله ذکی سخنگوی ستاد اشرف غنی احمدزی می گوید که: «نامزد بازنده بجای اینکه مثل کشورهای دیگر بیرون از حکومت بماند و اپوزسیون و منتقد حکومت را بعهده بگیرد، سهم و شریک در قدرت میشود».

عمده ترین مشکل آینده در کجا است؟

با آنکه قول معروف است که: «اجتماع نقیضین محال است»، و اما دیده شود که سرنوشت حکومت «وحدت ملی» در این راستا به کجا خواهد کشید. واضح است که راه دادن جناح رقیب در داخل حکومت زیر هر نام که باشد، چندین مشکل عمده را بار می آورد که احتمالاً در آینده نه چندان دور موجب بروز یک بحران سیاسی دیگر در کشور خواهد شد. اینکه گفته شده که حکومت وحدت ملی، حکومتی خواهد بود که مبتنی به برنامه کاندید پیروز که از تجارب نیروهای سیاسی تیم دیگر استفاده صورت میگیرد، منطقاً معنی میدهد که تیم بازنده باید از اجندای خود منصرف گردد و در راه تطبیق برنامه کاندید پیروز که در مسند ریاست جمهوری قرار دارد، مساعی به خرج دهد، به عبارت دیگر تیم بازنده آنچه را در مبارزات انتخاباتی به حیث یک جناح سیاسی مطرح کرده بود، از آن انصراف کرده و خود را عملاً باید به تیم کاندید پیروز مدغم سازند و از میان آنها اگر یکی در مسند ریاست اجرائی قرار میگیرد، در تشکیل کابینه و اداره امور باید یکسره گوش به فرمان رئیس جمهور فرادهد و از او اطاعت نماید.

د پانو شمیره: له 3 تر 18

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در اینجا سؤال میشود که آیا دیگر مؤتلفان سیاسی جناح بازنده حاضر خواهند بود در چنین موقفی قرار گیرند و یا اینکه در بسا موارد صدای اعتراض را بلند خواهند کرد؟ در داخل مؤتلفان تیم بازنده کسانی و گروه های وجود دارند که قبول چنین موقف برای شان دشوار و حتی ناممکن است و دیر یا زود این وضع موجب تنش و برخورد بین شخصیت ها و گروه های مؤتلف تیم بازنده که در حکومت خود را «شریک السلطنه» میدانند، به وجود خواهد آمد و این تنش ها موقف رئیس «اجرائی» را در برابر رئیس جمهور به مشکل مواجه می سازد، طوریکه رئیس اجرائی را به اصطلاح بین دو سنگ آسیاب قرار میدهد که منتج به برهم خوردن روابط بین آنها شده و از اینطریق کشور بسوی یک بحران جدی تر کشانیده خواهد شد.

طوریکه معلوم است در اجندای کاری تیم اصلاحات و هم گرائی تعدیل نظام ریاستی به پارلمانی و نیز استقلال عمل بیشتر برای والیها از جمله مسائلی است که با اجندای تیم تحول و تداوم فرق دارد. آیا دو تیم میتوانند در این زمینه یک راه حل وسطی را دریابند و آیا همه مؤتلفان هردو تیم باهم در این مورد توافق خواهند کرد؟ اینها معضلات اساسی اند که امکانات موفقیت حکومت گویا «وحدت ملی» را در عمل زیر سؤال می برند و آینده ای چندان مطمئن را بروز نمیدهند. با این ترتیب دیده میشود که تشکیل حکومت وحدت ملی حیثیت یک دوا مسکن را دارد که موقتاً موجب تسکین اوضاع خواهد شد و اما درد اصلی را مداوا نمیکند و حل معضله را با شدت بیشتر موقوف به آینده می سازد. در همین حال گزارشی که در ستون «نظر سنجی ها» پیرامون انتخابات 1393 در پورتال افغان جرمن آنلاین به نشر رسیده است، میتواند سرآغاز این مشکل جدید باشد. در گزارش آمده است:

«روزی که هردو کاندید به حضور جان کری و یان کوبیش در سفارت امریکا حضور یافتند، داکتر عبدالله را هفت تن همراهی می کردند ولی در جلسه که در پشت درهای بسته جریان داشت، صرف عبدالله و اشرف غنی حضور داشتند. وقتی که جان کری طرح خویش را برای کاندیدان ارائه کرد، موضوع اصلی این بود که برنده انتخابات باید برای طرف مقابل ریاست اجراییه را قائل شود و الی دو سال این کرسی به صدارت تغییر داده شود (مقصد ازین صدارت حکومت پارلمانی نیست). داکتر اشرف غنی [موضوع] را تأیید می کند، داکتر عبدالله اجازه می خواهد تا با هفت تن از تصمیم گیران همراهش مشوره کند و اتاق جلسه را ترک می گوید. این هفت تن عبارت از گل آغا شیرزی، محقق، محمد خان، میرویس یاسینی، شهرانی، ربانی و حبیبه سرابی می باشند. با محض اینکه موضوع را عبدالله مطرح می سازد، از جانب محقق، ربانی و محمد خان به شدت رد می شود و ظاهراً دلیلش را می گویند "ما به امریکا اعتماد کرده نمی توانیم". داکتر عبدالله از شیرزی خواهان رأی اش درین خصوص میشود، شیرزی می گوید طرفدار خون شدن بینی کسی هم نیست و با آن مخالفت خواهد کرد، درین زمان حبیبه سرابی، یاسینی، شهرانی که در نزدیکی شان در صحن سفارت قرار داشتند، هم از نظر شیرزی حمایت شان را اعلام می کنند و داکتر عبدالله تصمیم منطقی می گیرد و طرح جان کری را می پذیرد. اکنون درز بزرگ بین عبدالله و یک تعداد در تیش ایجاد شده است. مشکل مشابه در تیم اشرف غنی هم وجود دارد که در آینده شاهد انکشافات جدید در این ارتباط خواهیم بود».

بررسی جوانب تخنیکی و حقوقی حکومت «وحدت ملی» (قسمت دوم)

طوریکه در نوشته قبلی اشاره شد، با پا درمیانی جان کری و تفاهم هردو کاندید مبنی بر شمارش مجدد همه آراء امید برای یک راه خروج از بن بست انتخاباتی پیدا شد، ولی در مورد تشکیل حکومت وحدت ملی بعد از اعلام نتایج نهائی انتخابات هنوز هم وضاحت لازم وجود ندارد و بین شخصیت های کلیدی هردو تیم تفاوت نظر های جدی دیده میشود. محمدخان معاون اول داکتر عبدالله میگوید: «میان دو تیم برای ایجاد یک حکومت مشارکتی تعهد شده است که بر بنیاد آن نامزد بازنده رئیس اجرائی حکومت خواهد بود و پس از دو سال زمینه تغییر قانون اساسی فراهم خواهد شد و پس از آن پست اجرائی به صدارت مبدل خواهد شد... [البته] پس از دو سال و انتخابات شوراهای ولسوالی ها نصاب لویه جرگه نیز بر اساس قانون تکمیل خواهد شد». او می افزاید که: «گفتگوها روی جزئیات و کلیات تکمیل شده است و پیش از اعلان نتیجه تفتیش آراء، توافق کتبی میان دو نامزد با حضور نماینده سازمان ملل متحد امضاً خواهد شد». این اظهارت در حالی صورت میگیرد که سرور دانش معاون دوم داکتر اشرف غنی به گونه دیگر ابراز نظر میکند و می گوید: «هر تیم برنده باید وحدت ملی را در نظر گیرد و این ساختار جزئیاتی دارد که باید در آینده روی آن توافق

شود، برداشتی که اکنون وجود دارد [مبنی بر اینکه] برنده رئیس جمهور باشد و بازنده رئیس اجرائی، برداشت نادرست است و فرا قانونی است... توافق ها روی حکومت وحدت ملی شده است، اما روی جزئیات بحث ها ادامه دارد و هیچ توافق کتبی در این باره صورت نگرفته است». (گزارش شکیلا ابراهیم خیل: حرف های ضد و نقیض دو ستاد انتخاباتی درباره محتوای توافق سیاسی نامزدان، طلوع نیوز، 23 سرطان 1393)

برخی از معضلات تخنیک و قانونی:

با ملاحظه ابراز نظر های متفاوت فوق، ترس از آنست که تشکیل همچو حکومت مشارکتی مسمی به «وحدت ملی» در این مقطع حساس که کشور دچار یک بحران عمیق سیاسی است، نه تنها مشکلات جاری را حل کرده نتواند، بلکه موجب بروز مشکلات بیشتر گردد. البته تعدیل نظام از «ریاستی» به «صدارتی» مبتنی بر تغییر قانون اساسی که گفته میشود تا دو سال دیگر با انتخاب نمایندگان شوراهای ولسوالی ها امکان تدویر لویه جرگه فراهم خواهد شد، یک بحث جدگانه و دقیق خواهد بود که در وقت و زمان آن مطرح خواهد شد. اما طی دوره جاری که برطبق قانون اساسی نظام ریاستی با اعطای صلاحیت های قانونی بسیار وافر به رئیس جمهور در کشور حاکم است و حالا میخواهند یک تعداد صلاحیت های اجرائی را از بدنه قدرت رئیس جمهور جدا سازند و به یک رئیس اجرائی بسپارند که از جانب تیم بازنده انتخابات تعیین و معرفی میگردد، به یقین که این تغییر دشواری های زیاد را در ساحه تقسیم و تنظیم صلاحیت ها و نیز از نظر تخنیک و حقوقی در اداره حکومت و تصمیم گیری ها به وجود می آورد که بررسی بعضی نکات مهم آن موضوع بحث این نوشته میباشد. در این ارتباط کوشش میشود بعضی سؤالیهای مهم را مطرح سازیم که دقت در ارائه جواب آن مسئولیت های بزرگ را در آینده برای سران هر دو تیم بار می آورد، از جمله سؤال های ذیل:

- 1 - تقسیم وظایف و صلاحیت ها بین رئیس جمهور و رئیس اجرائی به کدام اساس و روی کدام اصول صورت خواهد گرفت؟
- 2 - آیا رئیس اجرائی مکلف خواهد بود تا از ولسی جرگه رأی اعتماد بدست آورد و نزد ولسی جرگه مسئول باشد و آیا ولسی جرگه از او حق استیضاح و سلب اعتماد را دارد؟
- 3 - آیا رئیس جمهور در صورت بروز مشکل حق دارد رئیس اجرائی را از مقام عزل کند و بجایش آزادانه شخص دیگری را بگمارد و یا اینکه باز هم مکلف خواهد بود تا از تیم بازنده انتخابات تقاضای معرفی شخص دیگر را نماید؟
- 4 - در صورتیکه بین رئیس جمهور و رئیس اجرائی اختلاف نظر پیدا شود و یا یکی در حدود صلاحیت های دیگر دخالت نمایند، آنوقت مشکل چگونه حل خواهد شد؟ آیا مرجع با صلاحیت برای حل همچو مشکلات قبلاً تعیین خواهد گردید؟
- 5 - وزرا از کی دستور خواهند گرفت - از رئیس جمهور و یا از رئیس اجرائی؟ آیا اینکار نحوه کار شورای وزیران را که زیر نظر رئیس اجرائی دائر خواهد شد، به بی نظمی نخواهد کشانید و درز عمیق را در اجرات حکومت به وجود نخواهد آورد؟
- 6 - گفته میشود که پس از انتقال قدرت به رئیس جمهور جدید، وزرای موجوده امنیتی برای چند ماه تغییر نخواهد کرد، آیا اینکار دلیل خاص دارد یا چطور؟
- 7 - تیم بازنده بر علاوه اینکه رئیس اجرائی را معرفی میکند، آیا در تعیین اعضای کابینه، والی ها، سفرا و ادارات مستقل و حساس کشور باز هم از سهمیه های خاص برخوردار خواهد بود؟
- 8 - موقف رهبریت تیم بازنده و سائر مؤتلفان عمده آن در این دوره چه خواهد بود؟ آیا آنها میتوانند در عین زمان که در حکومت وحدت ملی خود را شریک میدانند، به فعالیت های شبیه اپوزسیون بپردازند و بر علیه اجرات حکومت موقف اتخاذ نمایند؟
- 9 - آیا این دو دستگی در حکومت موجب دو دستگی بیشتر در اداره امور و نیز در پارلمان نخواهد شد و در اثر آن زمینه فساد را بیشتر گسترش خواهد داد و فساد پیشگان چانس تغذیه مزید را از دو قدرت یا به اصطلاح «دو مادر» پیدا خواهند کرد؟
- 10 - وقتی بازنده انتخابات که معمولاً در همه جا در موقف اپوزسیون قرار میگیرد، داخل حکومت شود، پس کدام قوه دیگر این نقش بس مهم را در کنترل فعالیت های حکومت بدوش خواهد گرفت؟

د پانو شمیره: له 5 تر 18

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

- 11 - وظیفه مشخص دو معاون رئیس جمهور با موجودیت یک رئیس اجرائی از تیم بازنده و شریک در حکومت چه خواهد بود و در صورت بروز تقابل صلاحیت ها، مشکل چگونه حل خواهد شد، مخصوصاً اینکه معاونین هر کدام شخصیت های با نفوذ و دارای حمایت های قومی و تباری خاص می باشند و بسیار تحمل بالا بینی های رئیس اجرائی را احتمالاً نخواهند داشت؟ آیا این وضع منجر به برخوردهای جدی بین آنها خواهد شد؟
- 12 - به قول محمد محقق معاون دوم داکتر عبدالله: اگر تیم آنها بازنده باشد، در آن صورت آنها تصمیم دارند که داکتر زلمی رسول را در پست اجرائی معرفی نمایند و در صورت برنده شده از داکتر اشرف غنی خواهش خواهند کرد که مسئولیت پست اجرائی را بدوش گیرد. گماشتن داکتر زلمی رسول که یک عضو ائتلافی تیم اصلاحات و هم گرایی است و در اصل کانید مطلوب کرزی بود، چه پی آمد ها را به دنبال خواهد داشت؟
- 13 - داکتر اشرف غنی قبلاً اعلام کرده که در صورت برنده شدن ضیا مسعود را متصدی امور اجرائی هشت وزارت سکتوری می سازد، در این حال معرفی رئیس اجرائی از طرف تیم بازنده، موقف قبلاً تعیین شده ضیا مسعود را چگونه تغییر خواهد داد؟

برای سؤالات فوق و دیگر مسائل نظیر آن باید قبل از تشکیل حکومت مشارکتی «وحدت ملی» جوابهای لازم و دقیق از طریق تفاهم باهمی ارائه گردند و همه بوسیله هیئت های کاری و مسلکی هر دو طرف درج یک تفاهمنامه و یا توافقنامه شوند تا راه گشای معضلات بعدی باشد

انتقال صلاحیت بوسیله صدور یک فرمان:

اکنون سؤال عمده چگونگی پروسه جدا ساختن قوای اجرائیه از بدنه صلاحیت های رئیس جمهور از نظر قانونی است، زیرا اینکار فقط وقتی قانوناً صورت میگیرد که لویه جرگه ماده هفتاد و یکم فصل چهارم قانون اساسی کشور را تعدیل کند. امید میرود که پس از انتخابات شورا های ولسوالیها تا دوسال دیگر زمینه تدویر لویه جرگه بزعم ماده یکصد و دهم و یکصد و یازدهم قانون اساسی مهیا گردد. اما مشکل اساسی در این دوره است که با تشکیل حکومت مشارکتی یا وحدت ملی قبل از آنکه قانون اساسی تعدیل گردد، با حفظ نظام «ریاستی» از نظر قانونی یک قسمت صلاحیت های رئیس جمهور در امور اجرائی به رئیس اجرائی انتقال می یابد.

برای اینکه این تغییر با حفظ جنبه قانونی عملی شده بتواند، یگانه راه اینست که رئیس جمهور جدید با صدور یک فرمان یک تعداد صلاحیت های اجرائی را عنوانی شخصی که از طرف تیم بازنده به حیث رئیس اجرائی معرفی میگردد، انتقال دهد. در اینجا بحث روی چگونگی تفویض صلاحیت است که آیا این کار مؤقت بوده و هر وقت رئیس جمهور بخواهد، میتواند صلاحیت های مفوضه را ملغی قرار دهد و یا محدود سازد و یا اینکه فرمان تفویض صلاحیت به رئیس اجرائی غیر قابل برگشت خواهد بود. اگر رئیس جمهور حق الغا و یا تحدید صلاحیت را داشته باشد، در آن صورت هر وقت رئیس جمهور بخواهد، میتواند نقش رئیس اجرائی را در پیشبرد امور به حداقل کاهش دهد و حتی نقش او را سمبولیک سازد و اما اگر تفویض صلاحیت به رئیس اجرائی برگشت ناپذیر باشد، در آن صورت صلاحیت قانونی رئیس جمهور توسط خودش زیر فشار های وارده در قید یک توافقنامه محدود میگردد و اینکار نقش یک رئیس جمهوری را که توسط انتخابات مستقیم به رأی اکثریت ملت انتخاب شده باشد، زیر سؤال می برد. امید است کسانی که در تسوید همچو موافقتنامه کار میکنند، در زمینه دقت جدی نمایند تا از معضلات بعدی جلوگیری شده بتواند.

برای روشن شدن مزید این معضله لازم است تا از یک همچو توافقنامه که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال 2009 بین زلمی خلیل زاد و حامد کرزی مطرح گردیده بود، طور نمونه و مثال ذکر نمایم:

توافق میان خلیل زاد و کرزی - یک مثال از گذشته::

روزنامه 8 صبح بتاریخ 3 جوزا 1388 (24 می 2009) ضمن یک گزارش مفصل تحت عنوان: «متن مسوده توافق میان خلیل زاد و کرزی؛ کمیون اجرایی ملی ایجاد میشود؟» پرده از روی یک راز مهم برداشت و چنین نوشت: «طی ماه های اخیر خبرهای ضد و نقیضی از سهمگیری و مشارکت خلیل زاد به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری و بعداً به عنوان تیم کاری حکومت کرزی در رسانه های داخلی و خارجی مطرح گردیده است. این شایعات زمانی جدی شد که خلیل زاد با حضور در کابل از نقش جدید خود در خدمت به مردم سخن گفت و بدنبال آن کنفرانسی را در دوی بر گزار نمود. انتظار میرفت که آقای خلیل زاد یکی از نامزدان و رقیب اصلی حامد کرزی در انتخابات ریاست

جمهوری [2009] باشد و محوریت افرادی چون اشرف غنی، جلالی و داکتر عبدالله را به عهده گیرد... سرانجام در آخرین روز روند ثبت نام نامزدان دیده شد که خلیل‌زاد در انتخابات ثبت نام نکرد و گفت که نامزد نشدن به معنی آن نیست که وی در افغانستان سهم فعال نداشته باشد... در همین وقت کرزی در یک سفر امریکا به سر می برد». 8 صبح در ادامه افزود: «به نقل از منابع مؤثق، در همین سفر بحث های جدی و مذاکره بر سر مشارکت خلیل‌زاد در حکومت آینده افغانستان صورت گرفته است». 8 صبح واضح نساخت که طرف این مذاکرات در امریکا کی بوده است؟

به نظر روزنامه: «عدم حضور خلیل‌زاد در انتخابات ریاست جمهوری سبب گردید که یک محوریت قوی در برابر کرزی شکل نگیرد و براساس منابع مؤثق تلاش صورت گرفت تا محمد محقق و رئیس حزب جنبش ملی [دوستم] را از پیوستن به جبهه ملی [در راس آن داکتر عبدالله عبدالله که خودش کانید ریاست جمهوری بود] باز دارد». اینکه دوستم از اقامت اجباری خود در ترکیه فوری به کابل آمد و در کنار کرزی قرار گرفت، میتواند نتیجه ساطت خلیل‌زاد برای همین هدف مشخص بوده باشد. روزنامه در ادامه نوشت: «با این وصف گفته میشود که خلیل‌زاد با این کار خواست تا کرزی همچنان به عنوان نامزد قوی باقی مانده و خودش در نقش رئیس اجرائی با صلاحیت های بیشتر، گردانندگی اصلی حکومت را به عهده گیرد». علاوهً گفته میشود که در تدویر جلسه دومی احسان الله بیات نیز سهم فعال داشت و دلیل انصراف انوار الحق احدی از نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری رانیز میتوان به همین زد و بند های پشت پرده مربوط دانست. روزنامه 8 صبح در ذیل گزارش خود مسوده توافقی شده میان خلیل‌زاد و کرزی را نیز به نشر سپرده که اینک متن آن عیناً در اینجا اقتباس میگردد:

متن فرمان کرزی:

«بسم الله الرحمن الرحيم

به منظور ارتقای هماهنگی و مؤثریت در امور اجرائی، ایجاد کمیسیون اجرائی ملی (در متن این فرمان کمیسیون) را براساس ماده 64 قانون اساسی افغانستان منظور میدارم. لایحه وظایف و تشکیلات این کمیسیون در مطابقت با قانون اساسی و سایر قوانین نافذ افغانستان تنظیم میگردد. کمیسیون اجرائی ملی دارای صلاحیت های زیر میباشد:

- 1 - کمیسیون به نمایندگی از رئیس جمهور از امور اجرائی که وی به آن تفویض میدارد، سرپرستی می نماید.
- 2 - کمیسیون برنامه های اجرائی حکومت را در مطابقت با قوانین نافذ افغانستان طرح و در جهت هماهنگی امور مربوطه به رئیس جمهور مشورت داده و پیشنهاد ارائه میدارد.
- 3 - کمیسیون جهت اجرای مؤثر امور اجرائی و تأمین انتخاب افراد شایسته برای مسئولیت های حکومتی و همچنین عزل و تبدیلی آنها، در مطابقت با ماده 64 قانون اساسی افغانستان، به رئیس جمهور پیشنهاد های لازم را ارائه میدارد.
- 4 - کمیسیون برای ارتقای مؤثریت، شفافیت در امور اجرائی، فعالیت های وزیران و رؤسای اداره های مستقل را در بخش های دفاعی و امنیت، سیاست خارجی و امور منطوقی، امور اقتصادی و مالی و امور حکومت داری و مبارزه با فساد و مواد مخدر هماهنگ می سازد.
- 5 - کمیسیون دارای یک رئیس، بودجه و تشکیلات متناسب با اجرای مسئولیت هایش می باشد.
- 6 - رئیس کمیسیون اجرائی ملی در جلسات کابینه اشتراک نموده و از امتیازات یک عضو کابینه برخوردار میباشد.
- 7 - با ایجاد این کمیسیون، صلاحیت های شورای امنیت ملی، کمیسیون مشورتی انتخاب کارمندان ارشد و دارالانشای شورای وزیران نیز به این کمیسیون انتقال می یابد.» (پایان فرمان)

روزنامه 8 صبح در پایان گزارش در آنوقت نوشت: «اکنون معلوم نیست که با وصف توافق خلیل‌زاد این فرمان از سوی کرزی اعلان خواهد شد یا نه، زیرا آقای کرزی با آمدن خلیل‌زاد نگران کمرنگ شدن موقعیت خود در صحنه سیاسی افغانستان میباشد».

در آنوقت گفته می شد که ریچارد هالبروک (نماینده خاص رئیس جمهور اوباما برای افغانستان و پاکستان) و پیتر گالبرایت (معاون کای آیدی نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان) با گماشتن خلیل‌زاد در این مقام موافق نبودند و لذا بجای خلیل‌زاد آنها از دوشخص دیگر یعنی اشرف غنی و جلالی در این مقام حمایت میکردند، چنانچه کانید نشدن علی احمد جلالی برای ریاست جمهوری که در آنوقت بسیار شایع شده بود، امکان دارد به همین دلیل صورت گرفته باشد. اما قراریکه بعداً واضح شد کرزی ظاهراً بیشتر متمایل به اشرف غنی بود. کرزی باین

د پانو شمیره: له 7 تر 18

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

وسيله موفق شد دو رقيب احتمالي خود يعنى خليلزاد و جلالى را به اميد اين مقام از صحنه رقابت هاى انتخاباتى دور نگهدارد و درعين زمان او با اين ترتيب امريكائى ها را به اميد نصب كردن اشرف غنى به مقام رياست كمسيون اجرائى ملي اغفال كرد تا از حمايت جدى آنها از اشرف غنى در انتخابات بكاهد و درنهايت ميدان را براى خود خالى سازد. (براي توضيح مزيد ديده شود: كاي آيدى: «مبارزه قدرت در افغانستان، متن انگليسى، صفحه 190؛ ترجمه درى فصل 24: تحت عنوان «پلان خطرناك»، مترجم: محمد نعيم مجددى، به سلسله مقالات «درسى كه بايد از گذشته آموخت»، قسمت نهم، منتشره افغان جرمن آنلاين، مورخ 10 فبرورى 2014)

هرگاه متن مسوده فوق به دقت مطالعه شود، رئيس كمسيون اجرائى ملي در واقع حيثيت يك صدراعظم صاحب صلاحيت وافر اجرائى را داشته و برطبق آن تقريباً همه صلاحيت هاى اجرائى مندرج قانون اساسى كه به رئيس جمهور اختصاص يافته از او سلب و به رئيس كمسيون اجرائى ملي سپرده شده است. در اين حال ديده ميشود كه نقش رئيس جمهور در امور اجرائى به حداقل كاهش يافته تا حدى كه در امور مربوطه نقش سمبوليك را اختيار ميكند. اميد است رئيس جمهور آينده با ذهن روشن در زمينه تصميم بگيرد.

علل و انگيزه هاى تغيير نظام

(قسمت سوم)

براي پاسخ به اين سؤال و پي بردن به عمق موضوع، لازم است تا جريان كلي رويداد هاى مهم را طي دو سه هفته گذشته در کشور در ارتباط با جناحهاى انتخاباتى با كمى تفصيل از نظر گذشته و بر نقاط مهم آن مکت کنیم:

زیر خیمه لویه جرگه چه گذشت؟

هنوز كاندیدهاى رياست جمهورى در دور اول امسال مصروف مبارزات انتخاباتى خود بودند كه يك خبر نگار از داکتر عبدالله عبدالله پرسيد كه کدام يك از كاندید ها را رقيب خود در انتخابات ميداند، وى فورى جواب داد: «تقلب!». از همان وقت تا حال كه دور اول و دوم انتخابات سپرى شده، ادعاى داکتر عبدالله و يارانش در تيم اصلاحات و همگرایی غير از «تقلب» و آنهم «تقلب بسيار گسترده» در انتخابات چيزى ديگر نبوده است. اين سرو صدا ها بخصوص روز بعد از ختم انتخابات دور دوم (24 جوزا) بيشترو بيشترو ظنين انداز گرديد كه جريان آن به همه معلوم است، چنانچه به همين مناسبت آنها در شهر كابل و يكي دوشهر ديگر به مظاهرات پرداختند كه در يكي از اين مظاهرات كه در شهر كابل با اشتراك چند هزار نفر براه افتاد، عده اى از شخصيت هاى كليدى تيم اصلاحات و همگرایی به شمول داکتر عبدالله اشتراك كردند و شعار ايجاد حكومت «موازی» را سر دادند. اما فرداى روزيكه كمسيون مستقل انتخابات بتاريخ 17 سرطان نتايج ابتدائى دور دوم را اعلام كرد (داكتر اشرف غنى 56.44 فيصد و داکتر عبدالله 43.56 فيصد)، تجمع بزرگ و پرشورى از طرفداران داکتر عبدالله در زیر خيمه لويه جرگه دائر شد كه همه با احساسات از داکتر عبدالله ميخواستند تا حكومت خود را اعلام كند و حتى گفته شده كه آنها به ارگ رياست جمهورى رفته و داکتر عبدالله را برآن مسند خواهند نشانيد. احساسات حاضران مجلس چنان شديد بود كه عكس رئيس جمهور كرزی را از ديوار تالار پايان و پاره پاره كردند و بجای آن عكس داکتر عبدالله را آویختند. در اين محفل كه با بي نظمی و خود سري همه توأم بود، داکتر عبدالله با احساسات قوی بيانيه ايراد كرد كه نقاط عمده آن از اينقرار ميباشد:

او گفت: «ديروز نتيجه تقلب اعلان شد؛ ما اين نتيجه را قبول نداريم و آنرا تقبيح ميكنيم و بايد بگويم كه برنده دور اول و دوم انتخابات افغانستان تيم اصلاحات و همگرایی است». او در ادامه گفتار افزود: «از همين جا اعلام ميكنيم كه فقط حكومتى كه با رأى پاك مردم افغانستان آمده است، به جاي خود قرار خواهد گرفت و مردم افغانستان از ما مى خواهند و در انتظار هستند كه ما حكومت خود را اعلام كنيم..... مثلث تقلب يعنى ارگ، كمسيون هاى انتخاباتى و يك تيم انتخاباتى اگر چنين فكر كنند كه حق مردم افغانستان را به آسانى و با تقلب كتمان كنند، از همين جا، از همين خيمه لويه جرگه... اعلام ميكنم كه هيچكس اين خواب را نبيند كه با تقلب ميتواند وارد ارگ شود». او با لحن جدى گفت: «من اطمينان و باور دارم كه با يك صدا صحنه افغانستان از يك رو به ديگر رو خواهد شد و ما در موضع حق قرار داريم و حق برتر و غالب است و حق پيروز ميشود. ما امروز با اطمينان اعلام کرده ميتوانيم كه تصميم ما را در

د پانو شميره: له 8 تر 18

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكارى ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دلپکني دلپکنيزي بنی پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولى

سرتاسر دنیا هیچ کس نمی تواند نادیده بگیرد و از همین جا اعلام میکنم که حتی اگر قطعه قطعه هم شوم، حکومت تقلبی را نمی پذیرم و کسی نمی تواند زور را بالای ما تحمیل کند».

داکتر عبدالله در مورد پاره شدن عکس رئیس جمهور گفت: «با وجود اینکه میدانم که جفای را که حامد کرزی بر مردم افغانستان طی سیزده سال گذشته روا داشته و فرصت های تاریخی و طلائی مردم افغانستان را بر باد داد، در هیچ مقطع تاریخ چنین جفایی در حق مردم افغانستان نشده است[؟؟؟]، ولی من قلباً و با تمام احساس خود مخالف چنین عملکردها استم..».

داکتر عبدالله در مورد تماس تلفونی جان کری به حضار چنین گفت: «امروز قبل از اینکه به این برنامه بیایم، وزیر خارجه امریکا که در جاپان برای یک سفر رسمی به سر می برد، به من تلفون کرده بودند و بعد از آن رئیس جمهور امریکا تلفون کردند و من با آنان صحبت هایی داشتیم و وعده آنان این بود که ما برای دفاع از عدالت و درافشای تقلب در کنار مردم افغانستان ایستاده استیم و اطمینان دادند که از هیچ نامزدی حمایت نکردند و نمیکنند؛ اما در روند انتخابات خواهان افشای تقلب استیم و ما از این حرف امریکا استقبال کردیم». داکتر عبدالله در پایان سخنرانی خود گفت: «مردم توقع دارند که ما هرچه زودتر حکومت خود را اعلام کنیم و ما این وعده را به مردم افغانستان می دهیم که انشاءالله حکومت شما به زودی اعلام خواهد شد، ولی از مردم افغانستان می خواهم که چند روز به من وقت بدهند تا تصمیمی را که به خیر مردم افغانستان باشد، بگیرم؛ البته در مشوره با شما مردم افغانستان و نمایندگان شما».

قابل یاد آور است که در همین روز 18 سرطان عطا محمد نور والی بلخ و رئیس عمومی شورای اجرائیه جمعیت اسلامی به تاسی از موقف داکتر عبدالله در مزار شریف به ایراد یک بیانیه پرداخت و طی سخنان خود گفت: «با توجه به باورمندی کاملی که هم در سطح ملی و بین المللی از کاربرد وسیع تقلب دونیم ملیون رأی به نفع یک نامزد مشخص وجود دارد، با تصفیه آن، آرای تیم تحول و تداوم زیر دو ملیون قرار میگیرد و برنده میدان تیم اصلاحات و هم گرائی است... پس با توجه به این امر... چاره ای جز اعلام حکومت مشروع و مردمی متصور نیست. ما از همین حالا حکومت مشروع را با زعامت جناب داکتر عبدالله اعلام میداریم و خود را ملزم به پیروی از آن میدانیم...». (متن مکمل سخنرانی داکتر عبدالله در خیمه لویه جرگه و سخنرانی عطا محمد نور را در ضمیمه نوشته محترم احسان الله مایار تحت عنوان: «آشوبه مجدد ایالات متحده امریکا»، منتشره افغان جرمن آنلاین، مورخ 14 جولای 2014 مطالعه کرده میتوانید).

عکس العمل جان کری وزیر خارجه امریکا:

جان کری بروز 16 سرطان یعنی دو روز قبل از گردهمائی هواخواهان داکتر عبدالله در خیمه لویه جرگه پیام ذیل را باشبیه «آمرانه، دستوری و قاطعانه» که بیشتر شکل یک «اولتیماتوم» را داشت، در رابطه با مسائل جاری افغانستان به این عبارت ارسال نمود:

«من از گزارش ها در مورد تظاهرات در افغانستان آگاهی دارم و پیشنهاد های ایجاد یک "حکومت موازی" را مایه عمیق ترین نگرانی می بینم. ایالات متحده امریکا توقع دارد تا نهاد های انتخاباتی افغانستان یک تفتیش کامل و دقیق را با در نظر داشت تمام ادعا های موجه در مورد تخلفات انجام دهند. در عین زمان هرگونه توسل به خشونت و یا تهدید به توسل به آن و یا توسل به راه های مغایر با قانون اساسی و انواع تهدید های دیگر به هیچ وجه توجیه پذیر نیست. تمام جوانب ذیدخل به نقش غیرسیاسی نیروهای امنیتی احترام بگذارند. ما از تمام رهبران افغان میخواستیم تا برای حفظ دستاوردهای دهه ای گذشته و حفظ اعتماد مردم افغانستان آرامش را حفظ کنند. هرگونه عملی که منجر به کسب قدرت با شیوه های فراقانونی گردد، باعث از دست دادن حمایت های مالی و امنیتی ایالات متحده امریکا و جامعه جهانی به افغانستان میگردد». (اعلامیه مطبوعاتی سفارت امریکا در کابل مورخ 16 سرطان 1393 - 7 جولای 2014)

چرا امریکائی ها با عجله داخل میدان میانجیگری شدند ؟

روزنامه نیویارک تایمز یک مقاله مهم را تحت عنوان : «گروه عبدالله می خواست ارگ و سه ولایت را تسخیر کند» چند روز قبل از دیدار جان کری به نشر سپرد و از مسائلی پرده برداشت که با مطالعه آن میتوان جواب سؤال فوق را تاحدی دریافت کرد. به اساس اهمیتی که محتوای این مقاله دارد، خواستم قسمت های عمده ترجمه متن در آنرا که رادیو آزادی بتاریخ 24 سرطان 1393 نشر کرد، به حیث یک سند تاریخی در اینجا درج کنم:

د پانو شمیره: له 9 تر 18

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

«حامیان عبدالله عبدالله آماده گی داشتند، بعد از اعلان نتایج ابتدایی دور دوم انتخابات، بر ارگ ریاست جمهوری و ساختمان هایی حکومتی در چند ولایت هجوم بیرند، ولی یک تماس تلفونی رئیس جمهور اوپاما با عبدالله عبدالله جلوس چنین اقدام را گرفت». نیویارک تایمز از قول فضل احمد معنوی رئیس سابق کمیسیون انتخابات و از حامیان عبدالله عبدالله نوشته که می گوید: «یک تماس تلفونی رئیس جمهور اوپاما با عبدالله عبدالله صبح وقت روز سه شنبه گذشته، از یک کشمکش خطرناک قدرت در افغانستان جلوگیری کرد». نیویارک تایمز می نویسد: «در حالیکه بحران انتخاباتی افغانستان عمیق تر میشد و مقامات غربی چندین هفته در حاشیه قرار داشتند، آلمانی ها اولین کسانی بودند که هشدار یک کشمکش احتمالی قدرت را در افغانستان دادند. درست یک هفته پیش مقامات غربی هشدار دادند که اگر یک والی قدرتمند افغان [مقصود از عطا محمد نور است]، حکومت جداگانه را به رهبری عبدالله عبدالله اعلان کند، غرب تمام کمک ها را به افغانستان را متوقف نموده و ماموریت آموزش قوای افغان را خاتمه می دهد».

به نوشته نیویارک تایمز: «زمانی زیادی نگذشت که نگرانی آلمانی ها به واقعیت مبدل شد. بعد از اعلان نتایج ابتدایی انتخابات به روز دوشنبه گذشته، این والی افغان از اعلان یک حکومت موازی سخن گفت و به دنبال وی تعدادی دیگر از حامیان عبدالله عبدالله اعلان های مشابه کردند». نیویارک تایمز می نویسد: «آنچه از آن گفته نشد، این بود که تهدیدات عبدالله عبدالله فراتر از الفاظ رفته، به پلانی برای اقدام مبدل شده بود. به گفته چندین تن از حامیان عبدالله و مقامات سابق حکومتی، تعدادی از حامیان عبدالله برای محاصره مراکز حکومتی در حد اقل سه ولایت افغانستان آماده گی گرفته بودند و هم آماده گی داشتند به اشاره عبدالله، به سوی ارگ ریاست جمهوری هجوم برده و آنجا را محاصره کنند». نیویارک تایمز می نویسد: «ستاد های انتخاباتی دو کاندید در مصاحبه ها با رسانه های غربی جزئیاتی را در مورد این هفته پرتنش [ارائه] داده اند که جدی تر از بحران های سیاسی قبلی بوده و خطراتی را در بر داشت که می توانست، زخم های جنگ های داخلی را تازه کند».

نیویارک تایمز می نویسد: «قوماندانان محلی مجاهدین خواهان اقدام علیه ارگ شده و با یقین کامل ابراز داشتند که قوای امنیتی افغان به شمول محافظین امنیتی ارگ، بر آن ها فیر نخواهند کرد. این قوماندانان جهادی باور داشتند که اکثر نیروهای امنیتی افغان طرفدار عبدالله عبدالله اند و رئیس جمهور کرزی خواهد توانست به آن ها دستور دهد بالای کسانی که به ارگ هجوم می برند آتش باری کند».

فضل احمدی معنوی رئیس سابق کمیسیون انتخابات و مشاور امور انتخاباتی عبدالله عبدالله به نیویارک تایمز گفته است: «قوماندانان ما می گویند برای ورود به ارگ به گرفتن کلید از نزد کمیسیون انتخابات نیاز نداریم، خود میتوانیم برویم و ارگ را بگیریم». او گفته است: «اگر آقای عبدالله دستور میداد چندین ولایت به شمول قصر ریاست جمهوری به دست تیم وی می افتادند».

فضل احمد معنوی به نیویارک تایمز گفته است: «حکومت امریکا واقعاً کار خوب برای مردم افغانستان کرد و اگر همین تلفون اوپاما به عبدالله نمی بود، این جریان متوقف نمی شد».

جیمز کنگگم سفیر امریکا در افغانستان به طور مستقیم تأیید نکرده است که گویا مقامات امریکایی در مورد پلان هجوم بردن حامیان عبدالله به ارگ خبر داشتند. ولی وی بیان داشته است که احساس جدی از حالت اضطرار موجود بود. کنگگم در مصاحبه با یک گروه کوچک از خبرنگاران گفته است: «دلیل اینکه ما به طور سریع مداخله کردیم این بود که به آن ها بگوییم که از اقدام بیشتر دست بردار شوند، اقدامی که یقین دارم برای افغانستان فاجعه بار می بود».

آیا تهدید «هجوم به ارگ» و تشکیل «حکومت موازی» یک تهدید جدی بود؟

گمان میرود که مقامات امریکایی عمداً این تهدید را جدی تلقی کردند تا در پرتو آن به این دلیل که گویا «نظام در خطر سقوط قرار دارد و دستاورد های سیزده ساله جامعه جهانی به هدر خواهد رفت»، هدف دیگر خود را که از سال 2008 بدینسو در نظر داشتند، با استفاده از این فرصت و به حیث یک تغییر مهم مطرح سازند. آنها مقدمات اینکار را که اساساً در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آنوقت بنا گذاشته بودند، چنانچه در قسمت دوم مقاله از موافقتنامه کرزی و خلیزاد تذکر رفت، خواستند در این دوره به شکل دیگر یعنی با طرح حکومت «وحدت ملی» بازتاب دهند و آنرا بنام اینکه گویا «افغان ها میخواهند نظام حکومت خود را تغییر دهند» اشاعه دادند.

اتکا به اظهارات فضل احمد معنوی که خود را بیطرف وانمود میکند، ولی یکی از جمله ستراتیژیست های برجسته تیم اصلاحات و هم گرائی است، حیثیت به اصطلاح «آب را نا دیده، موزه را از پا کشیدن» را داشت، به این زعم که

باید تدقیق بیشتر صورت میگرفت که آیا طرفداران داکتر عبدالله غیر مسلح به ارگ هجوم خواهند برد و یا مسلح؟ در هردو حالت واضحاً عمل آنها غیر قانونی بود و گارد محافظ ارگ وظیفه داشت تا جلو ورود آنها را به ارگ بگیرد و اگر آنها میخواستند با استفاده از سلاح داخل ارگ شوند، در این حالت وضع قیام مسلحانه علیه حکومت حساب شده، نه تنها اقدام مسلحانه گارد یک عمل قانونی بود، بلکه کسانی که در عقب این قیام قرار داشتند و آنرا طرح ریزی کرده بودند، باید نیز به حیث مسببان اصلی قیام قابل محاکمه و مجازات بودند. اگر این توجیه قبول شود که گویا همزمان با این قیام در سه ولایت دیگر نیز عین حالت پیش می آمد، باز هم قابل نگرانی نبود، ولی یقین است که این عمل نمیتوانست به سرعت در تمام ولایات کشور به وقوع بپیوندد.

اینکه گفته شده که گارد محافظ ارگ بدون کدام اقدام وظیفوی آنها را به ارگ راه میداد و امر کرزی را مبنی بر ممانعت دخول آنها نادیده میگرفت، اینکار واضحاً تغافل وظیفوی و حتی به حیث خیانت مؤظفین گارد حساب میشود. اینکه کرزی اجازه ورود به مظاهره چپان به داخل ارگ را میداد، با وجودیکه میدانست آنها برای خلع قدرت او به ارگ آمده اند، این احتمال غیر قابل تصور پنداشته میشود و اگر کرزی هدایت میداد تا گارد همه در های ورودی به ارگ به روی آنها ببینند، در آنصورت احدی نمی توانست داخل ارگ شود، مگر آنکه دروازه ارگ را بزور تانک یا بمب منفجر می ساختند که این حالت یک کودتا و یک عمل غیرقانونی و وظیفتا ایجاب مقاومت مسلحانه را میکرد، زیرا یکی از وظایف رئیس جمهور برطبق قانون اساسی دفاع از امنیت و حفظ ثبات میباشد.

بهرحال اقدام مقامات امریکائی و بخصوص تلاش های مجدانه جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا در ایجاد تفاهم بین دو کاندید در مورد تفتیش همه آرا به وسیله کمیسیون انتخابات و زیر نظر ناظران ملی و بین المللی با حضور نمایندگان هردو تیم یک اقدام بس مهم و ارزنده و یک اقدام به موقع بود تا بدانوسیله آرای پاک از نا پاک جدا شود و به انتخابات و نتیجه نهائی آن مشروعیت داده و هردو کاندید را متعهد به قبول نتایج گرداند. این اقدام تاریخی جان کری واقعاً قابل تقدیر است و مردم افغانستان به آن ارج می گذارند. اما انگیزه «پینه» کردن یک موضوعی که هیچ با اصل اجندای انتخابات ارتباط نداشت یعنی وارد کردن تغییر در نظام بنام تشکیل حکومت «وحدت ملی» برای همه سؤال انگیز و حتی قابل تعجب است اکثر مردم از خود می پرسند که مفکوره تغییر نظام از کجا ریشه گرفته است.

آیا انگیزه تغییر نظام یک مفکوره فوری برای حل مشکل جاری بود یا اینکه دلالتی از قبل داشت؟

اینکه چرا «عقاب های» امریکائی یعنی گروه «نیوکانها» در اول به فکر ایجاد یک نظام ریاستی بودند و در سال 2004 عناصر وابسته با آنها حین تدویر لویه جرگه قانون اساسی تا ناوقت های شب در اتاقهای نمایندگان مشغول ذهنیت سازی برای نظام ریاستی فعالیت داشتند و می کوشیدند صلاحیت های رئیس جمهور را حتی بیش از یک پادشاه در قانون اساسی کشور بگجانند و مصروف معامله گریها برای تصویب آن بودند، هدف اصلی این بود که آنها میخواستند تا: قدرت را قانوناً در دست یک نفر متمرکز سازند و اختیار آن نفر را در دست خود داشته باشند، تا هرچه بخواهند بوسیله او در عمل پیاده کنند.

دلیلی که اداره بوش و مخصوصاً زلمی خلیل زاد که در آنوقت دارای صلاحیت فوق همه بود و به «وایسرا» شهرت داشت، برگزیدن یک شخص ضعیف و فاقد تجربه را در این مقام بود که آن شخص مثل موم در دست تیم «عقاب ها» و نماینده شان در افغانستان زلمی خلیل زاد قرار داشته باشد. «عقاب ها» آنوقت فکر نکردند که با از بین رفتن احتمالی همچو یک شخص و یا تغییر جهت دادن او برخلاف امریکا به سمت دیگر، تمام امید های امریکا در افغانستان برباد خواهد رفت و اتکای آنها به آن شخص از هم خواهد پاشید، چنانکه این اشتباه را با آوردن خمینی در ایران کردند.

حامد کرزی که در خواب هم رسیدن به این موقعیت را نمیدید که روزی رئیس جمهور افغانستان شود، اما دفعتاً «عقاب بخت» بر شانه اش نشست و بدون آمادگی و داشتن یک اجندای کاری و محبوبیت مردمی به سهولت و در پناه حمایت «عقاب ها» به این قدرت «سلطانی» دست یافت. با ختم دوره ریاست جمهوری بوش و سقوط قدرت خلیل زاد و رویکار آمدن اداره دموکراتها به زعامت رئیس جمهور اوباما در سال 2008 سناره اقبال کرزی نیز روبه افول گذاشت و او دیگر کسی نبود که مثل سابق با رئیس جمهور امریکا در موتر گلف او به گردش بپردازد، بلکه اوباما با قاطعیت لازم با او پیش آمد کرد. اوباما بر اداره کرزی بخصوص در مورد بی کفایتی حکومت و شیوع بیش از حد فساد اداری

سخت انتقاد نمود. اوباما یکی از سیاستمداران کارگشته امریکائی «ریچارد هالبروک» را به حیث نماینده خاص خود برای افغانستان و پاکستان مقرر کرد که موصوف کرزی را زیر فشار گرفت، چنانچه مداخلات او برای جلوگیری از موفقیت کرزی در انتخابات ریاست جمهوری 2009 زبازند عام و خاص است. بهر حال از آنوقت تا امروز کرزی مثل طفل نازدانه که از گرفتن شربتی محروم شده باشد، از اداره اوباما دل آزرده شد و بدبترتیب تدریجاً در ضدیت با امریکا قرار گرفت.

اگر از شرح جزئیات این موقف بگذریم و تنها به مخالفت کرزی در زمینه امضای پیمان امنیتی بسنده کنیم، وضع روشن میشود که امریکائی ها به اشتباه خود مبنی بر رجحان نظام ریاستی و در نتیجه با تمرکز قدرت بدست یک شخص از سالهای 2007 - 2008 بدینسو پی برده بودند و چون نتوانستند این مأمول را طی انتخابات دور دوم ریاست جمهوری افغانستان در 2009 برآورده سازند و حتی کرزی از انفاذ توافق با خلیل‌زاد مبنی بر گماشتن او به حیث رئیس کمسیون اجرائی طفره رفت، امریکائی ها از آن به بعد متوجه اشتباه اولی خود شده در صدد آن شدند تا دریک موقع مساعد تعدیل نظام را طوری رویدست گیرند که منجر به کاهش صلاحیت های قانونی رئیس جمهور در امور اجرائی گردد؛ به عبارت زمینه را برای تعدیل قانون اساسی فراهم نمایند تا قوای اجرائیه را از بدنه صلاحیت های رئیس جمهور جدا سازند.

اکنون که افغانستان دچار بحران انتخاباتی شده است، جان کری برای نجات افغانستان از این بن بست در یک موقع بسیار حساس داخل اقدام گردید و نه تنها در رفع مشکل انتخابات کوشید و خواست با تفتیش مجدد آراء بر معضله تقلب پایان دهد و مشروعیت انتخابات را اعاده کند، بلکه در جوار آن هدف مهم دیگر را نیز که همانا آغاز عملی «دوفاکتوی» تغییر نظام است، تحت عنوان تشکیل یک حکومت بنام «وحدت ملی» برآورده سازد که در آن برنده انتخابات رئیس جمهور و بازنده آن به حیث «رئیس اجرائی» ایفای وظیفه نماید.

حکومت «انتقالی» به حیث یک وسیله تاکتیکی:

طی سه چهار سال اخیر به هراندازه که وضع امنیتی در افغانستان روبه خرابی می‌رود، فساد اداری به شدت گسترش می‌یابد، عنصر حکومتداری خوب به پایان ترین سطح خود درحال نزول است و مردم از بی کفایتی دولت فریاد می‌زنند، بیکاری و ناامنی بیداد میکند و هیچ کسی نیست که به صدای مردم وقعی بگذارد، به همان اندازه خواست یک تعداد ولو محدود مبنی بر ایجاد یک حکومت مؤقت بیشتر سر زبانها می‌افتد و از این طرف و آنطرف صدای لزوم تشکیل یک حکومت مؤقت در داخل و خارج کشور به گوش میرسد.

اگر از مدعیان دیگر این موضوع در چند سال گذشته بگذریم، اوایل سال گذشته داکتر عبدالستار سیرت طی یک بیانیه مبسوط که از طریق تلویزیون «پیام افغان» - منتشره لاس آنجلس بخش گردید، موضوع ایجاد یک حکومت «مؤقت» را مطرح کرد. داکتر سیرت که قبلاً رئیس تیم «روم» و نماینده پادشاه سابق در کنفرانس بن بود و از طرف اکثریت اعضای رسمی آن کنفرانس به رئیس حکومت «مؤقت» بیشترین رأی را گرفته بود و اما نظر به فشار های وارده جامعه جهانی حامد کرزی با اخذ دو رأی از جمله 13 رأی در سال 2001 به آن مقام گماشته شد، بعد از گذشت تقریباً یک دهه در آستانه انتخابات دور اول سال جاری با یک گروه پراکنده به کابل سفر کرد. او قبل از سفر یکبار با برخی مقامات امریکائی در واشنگتن دیدار داشت، وقتی به کابل رفت، درست موقعی بود که انتخابات ریاست جمهوری به اتهام تقلب گسترده، مواجه به مشکلات شده بود.

سفر داکتر سیرت در این موقع حساس این ذهنیت را در کابل بین حلقات خبیر و کاندید های ریاست جمهوری خلق کرد که گویا امریکائی ها به داکتر سیرت «چراغ سبز» داده اند، در صورتیکه انتخابات به نتیجه نرسد و اوضاع بحرانی شود، ایجاد حکومت «مؤقت» شاید یک بدیل عملی باشد. اگرچه داکتر سیرت در یک مصاحبه دلیل سفرش را به منظور راه اندازی حکومت مؤقت رد کرد و گفت که فقط به این منظور آمده است تا در ایجاد تفاهم بین جناح ها نقش بازی کند، ولی شایعات از کابل می‌رساند که وقتی با اعلام نتایج نهائی انتخابات در دور اول هنوز هم ادعای «تقلب گسترده» بخصوص از طرف تیم اصلاحات و هم گرانی به ادعای کسب آرای بیش از 50 فیصد مطرح بود، سفیر آمریکا هر دو کاندید را به سفارت دعوت کرد و از آنها خواست نتایج نهائی دور اول را بپذیرند و آماده رفتن به دور دوم گردند. شایعات می‌رساند که احتمالاً سفیر امریکا از امکان ایجاد حکومت «مؤقت» هر دو کاندید را هوشدار داده باشد. همان بود که فردای آن روز داکتر عبدالله نتایج نهائی دور اول را قبول و آماده رفتن به دور دوم شد. شایعات در

د پانو شمیره: له 12 تر 18

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

کابل حاکی از آنست که امریکائی ها از موقف داکتر سیرت در جهت ایجاد حکومت «مؤقت» یک استفاده تاکتیکی کردند و از آن به بعد موضوع تشکیل حکومت مؤقت بکلی از سرزبان ها افتاد.

خلای کلی ایجاد حکومت «مؤقت» از همه اولتر در فقدان مشروعیت آنست به این معنی که در سال 2001 موجودیت «خلای قدرت و قانون» در افغانستان بعد از سقوط طالبان دلیل مشروعیت همچو اقدام بود، درحالیکه اکنون کشور دارای قانون اساسی بوده و برطبق آن دو دوره انتخابات ریاست جمهوری و شورای ملی را گذارنیده است، چطور میتوان به این نوع «ازسر نیت کردن» مشروعیت داد، زیرا این اقدام مغایر با قانون اساسی کشور است. همچنان ملل متحد و کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده به کدام استناد حق تدویر همچو اجماع را خواهند داشت، مگر آنکه به نحوی با راه اندازی یک «کودتای فرمایشی» نخست نظام را سقوط دهند و سپس به تشکیل حکومت مؤقت «کودتائی» بپردازند. فرض محال اگر همچو حالتی رخ دهد، چه تضمینی وجود خواهد داشت که حکومت مؤقت مثل نظام موجود بی کفایت و ناتوان در حل مشکلات کشور بار نیاید؟ آیا امریکا و متحدین آن و نیز ملل متحد که ایجاد نظام موجود کشور را جز افتخارات خود میدانند و در آن میلیارد ها دالر مصرف و جمعاً بیش از چند هزار جوان خود را قربان کرده اند، حاضر خواهند شد بر همه «افتخارات» خود خط بطلان بکشند و راه رفته را دوباره طی طریق نمایند؟

حرکت در میان موج های توفنده بسوی نجات (قسمت اخیر)

گفته میشود که: «انتخابات بازنده ندارد» !!

در این روزها که مسابقات جام جهانی فوتبال به پایان رسیده است، همه دیدند که در دور آخر اگر دو تیم مساوی می شدند، باز هم سرنوشت برنده و بازنده با «شوت کردن پناهی» معلوم میگردد. حالا اگر گفته شود که انتخابات ریاست جمهوری کشور «برنده و بازنده ندارد»، این ادعا مغایر به اصل انتخابات است. اگرچه در انتخابات جاری کشور اعلان نتایج نهایی به اتهام تقلب گسترده زیر سؤال رفت و اوضاع به بن بست کشیده شد، اما توافق هر دو کاندید بر تفتیش مجدد همه آراء که با پادرمیانی جان کری بوسیله کمسیون انتخابات زیر نظر ناظران ملی و بین المللی صورت میگردد، میتواند در نهایت برنده و بازنده را تعیین کند.

در اینجا مشکل وقتی به میان می آید که در اثر توافق طرفین مبنی بر تشکیل حکومت وحدت ملی نتایج انتخابات اهمیت خود را از دست میدهد. این توافق که برنده انتخابات رئیس جمهور و بازنده آن رئیس اجرایی حکومت باشد، چنین معنی میدهد که در واقع برنده انتخابات، بازنده اصلی و بازنده انتخابات، برنده اصلی خواهد بود، زیرا در اینصورت برنده بیشتر از نصف صلاحیت خود را از دست میدهد و برعکس بازنده بجای آنکه در نقش اپوزسیون درآید، برعکس شامل حکومت شده و حیثیت صدراعظم را کسب میکند. اینجاست که موضوع از منظر انتخابات و دموکراسی از یکطرف فاصله میگردد و اهمیت انتخابات را به مثابه «هیچ» تنزل میدهد و از طرف دیگر نظام اداری را مغلق و بی موازنه ساخته عدالت ناشی از انتخابات را نقض میکند.

حالا اگر کسانی فکر میکنند که تغییر در نظام سیاسی از ریاستی به صدارتی یک ضرورت مبرم است، راه معقول آن بود که رئیس جمهور یک قسمت و یا همه وظایف اجرایی خود را به یک شخص مورد اعتماد خود از طریق صدور یک فرمان تفویض میکرد و او زیر نظر رئیس جمهور وظیفه محوله را انجام میداد. در اینصورت مشکل عمده به وجود نمی آمد، طوریکه داکتر اشرف غنی قبلاً اعلام کرد که ضیاً مسعود را به حیث رئیس اجرایی هشت وزارت سکتوری در نظر گرفته است.

اکنون سؤالهای زیاد در چند مورد مهم و اساسی در پلاتفورم دو تیم مطرح است که چگونه آنها میتوانند در زمینه به یک راه حل وسطی دست یابند: تیم اصلاحات و هم گرائی نظام پارلمانی میخواهد و انتخابی شدن والی ها و در نهایت یک نوع نظام شبیه فدرالی و علاوه بر این تیم خواهان حل موضوع با مخالفان مسلح بخصوص طالبان از طریق فشار میباشد، در حالیکه تیم تحول و تداوم با حفظ نظام متمرکز میخواهد موضوع صلح را با مخالفان از طریق مفاهمه حل

د پانو شمیره: له 13 تر 18

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

نماید. در اینحال اگر رئیس اجرایی را تیم اصلاحات و هم گرائی معرفی کند، آیا رسیدن به یک توافق در موارد فوق بین هردو تیم میسر خواهد بود؟

گذشته از آن همین حالا یک تعداد مؤتلفان هر دو تیم از این وضع ناراضی اند و این تفاهم را نتیجه تصمیم همه اعضای تیم ندانسته و فقط آنرا نظر رئیس تیم و چند نفر دیگر می دانند. این وضع ممکن است منجر به پاشیدگی اعضای مؤتلف هر دو تیم گردد که درد سرهای جدی را بعداً بار خواهد آورد.

بهرحال این فضای تاریک و مغشوش موجب نگرانی یک تعداد زیاد فعالان سیاسی هردو تیم گردیده و سلسله مباحثات و مشاجرات بین آنها تازه شروع شده و با گذشت هر روز ممکن است بیشتر و بیشتر گردد. همین فضای مغشوش مرا نیز به این اندیشه برد که از خود بپرسم: آیا این تاریکی ها به دنبال خود روشنی خواهد داشت؟

می گویند «جهان به امید خورده شده است»:

من هم با چشم امید بسوی آینده می نگرم و برای تسکین خاطر خود از معمای فردای کشور، طبق مرسوم دیشب دست به دیوان حضرت حافظ بردم و چون صفحه را باز کردم، چشمم به این بیت افتاد:

صوفی مجنون که دی جام و قدح می شکست دوش به یک جرعه می، عاقل و فرزانه شد

این بیت شیخ بزرگ مرا به دریای اندیشه فرو برد و در سکوت شب روانه ای تعبیر آن شدم و فال نیک گرفتم که با «جنون» نمیتوان راه به حقیقت برد، مگر آنکه از «عقل و خرد» کار گرفت و فقط با استفاده از این مشعل است که میتوان بر تاریکی ها چیره شد و در راه خیر و فلاح قدم گذاشت. کسانیکه دیروز «جام و قدح» می شکستند و سخنان آتشین بر زبان میراندند، ولی امروز با یک «جرعه می» به دنیای عقل و فرزانهگی قدم می گذارند. امید است هریک این راه را سر آغاز یک سفر دراز پندارند و این روزنه را در دلهای خسته از مصیبت های روزگاران گذشته بسوی یک آینده امید بخش بگشایند.

بعضی ها از اینکه ما افغانها نتوانستیم بر مشکل خود فایق آئیم و ناگزیر دستی از بیرون آمد و مشکل گشای کار ما شد، ناراحت اند. این هم درسی بود بس بزرگ که باید از آن بیاموزیم و بدانیم که هرروز دستی از بیرون برای کمک بسوی ما دراز نمیشود، باید خود ما آماده حل مشکلات خود باشیم. توسل به زور و تهدید به جنگ و ستیز، خصلت کسانی است که یا با تدبیر آشنا نیستند و یا چنان غرق در خود خواهی و جاه طلبی اند که درب تدبیر را بروی خود بسته اند. متأسفانه ما افغانها به همین دلیل همیشه برنده ای جنگ و بازنده ای سیاست بوده ایم و آنچه را در میدان جنگ با ریختن خونهای بسیار بدست آورده ایم، در عرصه سیاست به بسیار سهولت از دست داده ایم. باید بیدار شویم و از آسمان احساسات به زمین تدبیر و عقل گام گذاریم و گره خود را بدست های خود باز کنیم.

در اینحال یونس قانونی (جانشین مارشال فهیم در کرسی معاونیت ریاست جمهوری) دو روز قبل در ولسی جرگه اذعان داشت که اساساً طرح حکومت «وحدت ملی» فرآورده مغز او و کریم خلیلی معاون دوم ریاست جمهوری است که با اعلان «بیموقع» نتایج ابتدائی از هم پاشید و بعداً با آمدن جان کری دوباره مطرح گردید. این اعتراف در حقیقت بار مسئولیت جان کری را که به حیث یک شخصیت جهانی چگونه به خود حق داده است بر چنین تصمیم نادرست و مغایر عقل و منطق مهر تأیید بگذارد، به شانه های قانونی و خلیلی انتقال میدهد.

از این حقیقت نمیتوان انکار کرد که دوره اول و دوم انتخابات ریاست جمهوری کشور با همه کم و کاستی ها و نشیب و فراز ها از روز اول تا امروز یک مرحله حساس و بسیار آموزنده برای مردم، برای اداره های انتخاباتی و برای کاندید ها و تیم های مربوطه شان بود که باید از آن آموخت و در حفظ دستاوردهای چند سال اخیر با چراغ عقل و خرد بر تاریکی فایق آمد، در غیر آن کشور بدست خود ما ویران خواهد شد.

دست آوردهای نوید بخش انتخابات امسال :

در سه قسمت اول این نوشته از مشکلات تشکیل حکومت «مشارکت جناحی» که مسمی به «وحدت ملی» شده است، صحبت کردیم، ولی در قسمت پایان این مبحث میخواهم توجه را به یک تعداد دست آوردهای مثبت این دوره انتخابات

د پانو شمیره: له 14 تر 18

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

نیز جلب نمایم که تجارب چند ماه گذشته با تمام تلخی های آن، میتواند الهام بخش ثمرهای شیرین در آینده باشد، به شرطیکه بزرگان به فرموده حضرت حافظ «عاقل و فرزانه» باشند. این دست آورد ها را نباید کم گرفت، بلکه در نهادینه ساختن آن باید کوشید. حال بقول معروف «چو عیبش بگفتی، وصفش را نیز بگو» تا مردم مایوس از رویدادهای منفی نباشند و به دست آوردهای مثبت نیز فکر کنند و مایه امیدواری آنها در آینده گردد، از جمله توجه را به نکات ذیل معطوف میدارم:

1 - انتقال قدرت بطور مسالمت آمیز از طریق رأی مردم با وجود صدها توطئه از داخل و خارج و با وجود تقلب و حتی تقلب گسترده، باز هم یک تحول بزرگ در تاریخ کشور محسوب میشود. در بسا کشورهای جهان که داد از نظام انتخابی میزنند، ولی وقتی شخصی یکبار به قدرت در راس دولت دست یافت، دیگر قدرت را نمی گذارد و به هر وسیله ممکن در تمدید آن می کوشد. ما شاهد رؤسای جمهوری هستیم که با تقلب و استفاده از زور خود را به یک دیکتاتور مدام العمر تبدیل کرده اند. جای شکر است که افغانستان در اثر انتخابات جاری از مخصصه «تداوم قدرت» که ذهن همه را به خود مصروف ساخته بود، رهائی یافت و از این به بعد انشأ الله که همین روال برطبق قانون ادامه خواهد یافت.

2 - تجارب حاصله از نظام ریاستی ثابت ساخت که با تمرکز بیش از حد صلاحیت های قانونی در دست رئیس جمهور، موقف او تدریجاً از یک رئیس جمهور به یک سلطان مقتدر بلند برده شد، تاحدیکه از سیاست خارجی گرفته تا همه امور داخلی در ید سلطه و قدرت او و یک حلقه انگشت شمار اطرافیان او قرار گرفت. رئیس جمهوری که بر علاوه ریاست سه قوه، رئیس قوای اجرائیه باشد و اراکین قوای قضائیه را نیز به نحوی بگمارد، فقط با زیر نفوذ قرار دادن پارلمان میتواند بیک شخص خود کامه و دیکتاتور تبدیل گردد. خوب است که جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده امریکا که در اول بانی و حامی این نظام بود، متوجه اشتباه خود شد و اکنون در صدد تغییر نظام برآمده است. البته در طول مباحث گذشته درباره مشکلات حکومت «وحدت ملی» صحبت کردیم که یک دوره امتحانی و خالی از مشکلات نخواهد بود. اگر واقعاً متصدیان امور در این دوره موفق شوند تا با تفاهم کشور را بطور سالم با امن و ثبات اداره کنند و از یک امتحان تاریخی موفقانه بدر شوند، آنوقت کشور در یک مسیری قرار خواهد گرفت که مایه امیدواری خواهد بود.

اینکه باتعدیل قانون اساسی نظام آینده کشور «پارلمانی» باشد و یا «صدارتی»، بحثی است که به موقع آن مطرح خواهد شد؛ اما اینکه فرق بین نظام «پارلمانی» و «صدارتی» چیست، مختصر میتوان گفت که در نظام پارلمانی ریاست حکومت را رئیس حزب اکثریت و یا ائتلاف چند حزب در پارلمان به عهده میگیرد و کابینه را می سازد، درحالیکه در نظام صدارتی رئیس حکومت (صدراعظم) از طرف رئیس جمهور به تشکیل کابینه مؤظف میگردد و رئیس جمهور صدراعظم مؤظف را با لست کابینه پیشنهادی او به ولسی جرگه معرفی میکند. هرگاه صدراعظم و کابینه جمعاً به اخذ رأی اعتماد از ولسی جرگه موفق شوند، آنوقت رئیس جمهور فرمان تقرر آنها را صادر مینماید. از آنجائیکه تشکل احزاب به مفهوم واقعی آن در کشور تاهنوز تکامل نکرده و اکثر احزاب موجود بر مبنای قومی، مذهبی و منطقوی تشکیل شده اند، نه آنکه به روی پلاتفورم های سیاسی مشخص، لذا تا وقتی که احزاب ماهیت یک «حزب سیاسی» را کسب نکرده و در پارلمان نماینده نداشته باشند و تا وقتی که پارلمان از سیطره های قومی، مذهبی و منطقوی نجات پیدا نکند، تا آنوقت نظام پارلمانی در افغانستان قابل تطبیق نخواهد بود. نمیخواهم به این بحث وسیع و همه جانبه در اینجا پردازم و اگر کسانی خواسته باشند در زمینه از نظر من آگاه شوند، به نوشته یک سال قبل من در این ارتباط روی لینک ذیل کلیک فرمایند.

www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/kazem_sa_baray_nejat_az_bohran_siyasi_tshi_bayad_kars.pdf

3 - در اثر تحول جاری دو کاندید و تیم های مربوطه که تا چند روز قبل به اصطلاح «سایه یکدیگر را به سنگ می کوبیدند»، اکنون حاضر شده اند باهم در فضای آرام و دوستانه صحبت نمایند و یکی به خانه دیگر بروند، درحالیکه قبل از آن برای ایجاد فضای تفاهم بین آنها جان کری مجبور بود بین دو اتاق رفت و آمد کند و نظر یکی را به دیگری برساند. خوشحالم که اکنون نگاه های عبوس و گفتارهای تند جای خود را اقلأً به نرمش و شنیدن دلایل یکدیگر داده

د پانو شمیره: له 15 تر 18

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لپکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

است. در موجودیت همچو فضا است که احساسات جای خود را به عقل و خرد میدهد. امید است این شیوه ادامه یابد و این تماس های حسن نیت به نتیجه مطلوب در حل مشکلات منجر شود و ضرورت به پادرمیانی دیگران نباشد.

4 - تشکیل دو تیم قوی انتخاباتی یعنی تیم «تحول و تداوم» به زعامت داکتر اشرف غنی و تیم «اصلاحات و هم گرائی» به زعامت داکتر عبدالله عبدالله در آینده میتواند پایه گذار دو حزب سیاسی بزرگ در کشور شود. تا جائیکه از مشمولان هر تیم و نحوه برنامه های سیاسی شان طی مبارزات انتخاباتی معلوم میگردد، یک تیم بیشتر با روحیه یک حزب «محافظه کار» و دیگری بیشتر با روحیه «دموکرات لیبرال» میلان دارند که با این تحول هریک میتواند طی یک مدت کوتاه به حیث دو حزب رقیب دارای اجندا و پلتفورم مشخص تبارز نماید. در عین زمان کسانی که با نظر این دو تیم موافق نباشند، میتوانند در یک حلقه دیگر تشکیل نموده یک یا دو حزب دیگر را بسازند. بدینوسیله از تعدد بی موجب احزاب موجود که نام و نشان شان حتی به خود شان درست معلوم نیست، جلوگیری شود. همچنان با تشکل چند حزب قوی، بعضی اشخاص و یا گروه ها که هدف شان رسیدن به مقام و یا حفظ منافع اقتصادی و سیاسی و یا نفوذ محلی و غیره میباشد، دیگر مجال به معامله گریها را نخواهند داشت. این نوع تشکل در عین زمان میتواند یک اپوزسیون قوی و قانونی را در برابر حزب سر اقتدار به وجود آورد. به نظر من این یک تحول مثبت خواهد بود که در آغاز همین دوره تهداب آن گذاشته شود.

5 - رویداد های اخیر بدون شک مثل شاک های قوی برقی بودند که کمسیون های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی را در مجموع و هریک از اعضای آنرا متوجه مسئولیت های خطیر ملی شان ساخت تا با دقت لازم به امور مربوطه مستقلانه و برطبق قانون رسیدگی نمایند. همچنان توجه کاندید ها را نیز به مکلفیت های قانونی شان جلب کرد تا وجایب خود را بطور درست و در موقع معین انجام دهند. مبارزات انتخاباتی نیز در این دوره شکل خاص خود را داشت که در سابق به چند مناظره کوتاه تلویزیونی خلاصه می شد، ولی این بار کاندید ها نزد مردم در ولایات رفتند و درباره برنامه های خود تاحد مقدور مردم را آگاهی دادند. مقامات دولتی نیز متوجه شدند که مداخله مستقیم و غیر مستقیم شان از نظر مردم پنهان نمی ماند و باید در کارکرد های خود کمال احتیاط را رعایت کنند.

6 - در این دوره انتخابات رسانه های جمعی اعم از صوتی، تصویری و نوشتاری هریک به نوبه خود نقش بسیار فعال بازی کردند که از هر نگاه قابل تمجید و ستایش است. اینکه بعضی رسانه ها با حفظ موقف های سیاسی خود عمل کردند، یک موضوع عادی بوده و با رعایت قانون میتوانند از این حق خود استفاده نمایند. رسانه ها توانستند تا پیامها و نظریات کاندید ها و تیم های مربوطه شان را به وجه احسن به مردم برسانند و مردم با ذهن نسبتاً روشن تر به پای صندوقها رفتند، ولو که یک عده زیاد رأی دهندگان به تاسی از وابستگی های قومی، زبانی، مذهبی و منطقوی در این دوره رأی دادند. عمده ترین بخش رأی دهندگان جوانان بودند که بیشترین رأی خود را به برنامه کاندید دادند، نه به وابستگی های قومی و غیره. عده ای از این جوانان اینبار به صراحت گفتند که رأی حق شخصی شان است و بزرگان حق ندارند نظر خود را مثل سابق بر آنها تحمیل کنند.

7 - عمده ترین پیام مردم در این دوره انتخابات در خارج و داخل کشور برای همه این بود که می گفتند: «ما از جنگ خسته شده ایم، ما آرامش، صلح، امنیت و ثبات و نجات از بیکاری میخواهیم». با این روحیه پیام صریح مردم به کسانی که با چاق کردن میدان کشمکش و برخورد مثل سالهای گذشته میخواستند به اریکه قدرت تکیه زنند، این بود که ما از اعمال زور و قوه بیزار هستیم. چنانکه دیده شد، به همین دلیل اشتراک مردم در مظاهرات هفته های قبل بسیار کم رنگ و فارغ از خشونت بود. اگر تعداد تماشاگران را که طور معمول زیادتر از مظاهره کنندگان اصلی می باشند، از تعداد مجموعی بیرون کنیم، تعداد نه چندان زیاد در صف مظاهره چپان باقی می ماند که نشان دهنده دوری جستن اکثریت مردم از همچو رویدادهای میباشد که منجر به خشونت گردند.

8 - اشتراک وسیع مردم با وجود هوای بارانی و شرایط دشوار امنیتی در دور اول و باز هم تعداد بیشتر در دور دوم بیانگر یک تحول عمده در احساس مسئولیت مردم برای رأی دادن است. اکنون مردم پی برده اند که رأی دادن یک وجیه و مکلفیت آنها است و همین رأی میتواند سرنوشت آینده شانرا در مجموع تعیین کند. طوریکه معلوم شد، مردم

د پانو شمیره: له 16 تر 18

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مثل سالهای قبل در این مسائل بی تفاوت نیستند. بخصوص جوانها در این دوره در بسیج کردن گروههای خود بیشتر از همه فعال بودند. داستان مردی که مرگ دختر خود را از مردم در روز انتخابات پنهان کرد تا مبادا این خبر مردم محل را از رفتن به صندوق های رأی مانع شود و یا گفتار یکی از کسانیکه مخالفین انگشت پررنگ او را بریده بودند و با آنها او فریاد میزد که: «اگر هر ده انگشتانم را نیز می بریدند، باز هم من رأی میدادم»، اینها همه شواهدی آشکاراند که درک عمیق مردم ما را در ادای وجیبه رأی دادن بیان میکند و نظیر آن در کمتر کشوری دیده شده است.

9 - مردم ما اعم از زن و مرد و پیر و جوان با رفتن به پای صندوقهای رأی در شرایط بسیار دشوار به مخالفان مسلح از هر گروه که استند - در داخل و خارج، این پیام را رسانیدند که از هیچ تهدید و فشار نمی ترسند و شجاعانه در نهادینه ساختن آرمانهای ملی خود به حیث یک مشت بسته عمل میکنند. با درک همین احساس، چون مخالفان دریافتند که از حمایت مردم بی نصیب می باشند، لذا به عملیات نامردانه خود در این روزها افزودند و به کشتار مردم بیگناه و تخریب دارائی ها عامه پرداختند. آنها میخواهند با تهدید به زور و کشتار، روحیه مردم با شهادت ما را تضعیف کنند، بیخبر از این که هر قدر آنها از شدت عمل کار گیرند، مردم را علیه خود بیشتر و بیشتر بسیج می سازند.

10 - از همه مهمتر همسایه های طماع ما میخواستند با تحریک یک تعداد، وضع را نا آرام سازند و با بدنام ساختن انتخابات ثابت کنند که افغانستان در مرحله «خود اداری» قرار ندارد و بناً با خروج قوای خارجی از کشور زمینه های سلطه خود را مثل چند سال قبل بر کشور ما فراهم سازند. امروز با شکستن بن بست انتخاباتی و نشستن دور میز تفاهم، توطئه های آشکار و پنهان دو همسایه ایران و پاکستان رو به خنثی شدن دارد، آنها از تفاهم دو تیم در زبان استقبال کردند و اما در دل ناراحت اند تا با طرق و وسایل دیگر اوضاع کشور ما را باز هم دستخوش حوادث سازند.

11 - وساطت جان کری و نقش عامل امریکا در حل به موقع معضله انتخابات این حقیقت را بار دیگر به مردم افغانستان ثابت کرد که کشور ما به یک حامی پر قدرت ضرورت دارد تا در مواقع مهم و حساس به کمک ما بشتابد و نگذارد که کشور بار دیگر مواجه بیک آشوب و جنگ داخلی گردد. کشور ما نه تنها به حمایت های سیاسی جامعه جهانی نیاز دارد، بلکه بدون حمایت های مالی و نظامی آنها کشور دچار مشکل و در معرض بحران قرار خواهد گرفت که عاقبت آن برای مردم و کشور بسیار ناهنجار خواهد بود. ما نباید حمایت وسیع جامعه جهانی را در گرو حمایت های منطقی ناپایدار و زود شکن قرار دهیم. عقل سلیم حکم میکند که در شرایط موجود، سیاست خارجی خود را با اتکا به حمایت جامعه جهانی عیار سازیم و در پرتو آن نحوه روابط با همسایه های خود را شکل دهیم.

12 - بعضی ها به این نظر اند که هنوز ذهنیت های مردم ما آماده قبول دموکراسی در کشور نمیباشد، لذا نخست زمینه ها را مساعد ساخت و مردم را از مزایای دموکراسی آگاهی داد و بعد از آنکه مردم آماده شدند، به پخش و تطبیق دموکراسی پرداخت. من با این نظر موافق نیستم، زیرا مردم تدریجی و از طریق تمرین با شیوه های دموکراتیک آشنا میشوند و اینکار مثل عملیه آموزش حین اجرای کار و وظیفه است. ما نمیتوانیم به یک کارگر بیسواد بگوئیم که: «اول چند سال تعلیم کن بعد بیا و شامل کار شو». شاید اینکار برای پست ها و وظایف اختصاصی مطلوب باشد که باید شخص قبل از استخدام درس خوانده باشد، ولی برای عامه مردم که دموکراسی از آنها و برای آنها است و بوسیله آنها تحقق می یابد، فرا گرفتن اصول دموکراسی فقط از طریق تمرین صورت گرفته میتواند، چنانچه اگر نیک بنگریم و چند دوره انتخابات را طی چند سال اخیر در کشور از نظر بگذرانیم، می بینیم که مردم، دستگاه های اداری، و کاندید ها و حتی رسانه ها و نیروهای امنیتی تا چه صاحب تجربه شده اند. دوره جاری انتخابات با تمام کم و کاستی های آن یک نمونه بارز برای آمیزش و آشنائی مردم با اصول دموکراسی پنداشته میشود.

13 - در اینجا لازم به تذکر میدانم که همکاری جناح ها در پنج سال آینده این موقع را برای جوانان کشور مساعد خواهد ساخت تا خود را آماده قبول مسئولیت های ملی پس از این مدت سازند. گمان میرود اکثر متنفذین قومی که امروز خود را به حیث رهبران قومی و صاحبان رأی معرفی میکنند، تا پنجسال دیگر نظر به کبر سن و یا خسته شدن از کارهای سیاسی پرمخاطره و جنجال برانگیز که محصول خود خواهی خود آنها است، خود را از صحنه فعال سیاست بیرون کنند و فضا را برای نسل جوان با بییش وسیع و افکار جدید فارغ از فرهنگ زور و ستیزه و اما به

د پانو شمیره: له 17 تر 18

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

روی واقعیت های قابل قبول باز نمایند. اگر این پنجسال باز هم مثل سالهای قبل با کشمکش ها، قانون شکنی ها و توطئه ها توأم باشد، واضح است که نسل جوان نخواهد توانست در فضای نا آرام به رسالت خود برای آینده آماده شود. زمینه سازی برای نسل جوان یکی از وظایف مهم این پنجسال خواهد بود. نسل جوان افغان باید از همین حالا بداند که دیر یا زود مسئولیت اداره کشور به عهده آنها خواهد بود و در این راه باید خود را هرچه زودتر آماده و نیروهای مسلکی و ملی خود را بسیج و عیار سازند.

14 - اگر دو تیم انتخاباتی در چهار چوب حکومت گویا «وحدت ملی» طوری باهم آمیختند که از اپوزسیون خبری نشد، لازم است تا این اپوزسیون به نحوی به وسیله یک یا چند گروه متشکل از جمله جوانان به میان آید تا وظیفه مهم کنترل حکومت را پیش ببرند، زیرا موجودیت یک اپوزسیون قوی یکی از شرایط عمده در یک نظام دموکراتیک است.

15 - در پایان افتخار میکنم به نیروهای امنیتی با شهادت افغان اعم از اردو و پولیس که در اجرای وظایف ملی خود، از جمله تأمین امنیت انتخاباتی فعالانه و با درک مسئولیت عمیق خدمت کردند و جان های شریف خود را در این راه فدا نمودند. آنها نه تنها محافظان واقعی این سرزمین اند، بلکه آنها کسانی اند که تأمین امنیت و ثبات دموکراسی را در کشور نهادینه می سازند و از ارزش های آن با کمال متانت و شجاعت پاسداری میکنند. ناگزیر باید بگویم که این سخن مرا بسیار متأثر ساخت، وقتی این گفته را شنیدم که: «در صورت هجوم طرفداران تیم اصلاحات و هم گرائی به ارگ، محافظان ارگ مانع ورود آنها خواهند شد». وقتی در مقاله قبلی نوشتم که: به دستور کرزی هرگاه دروازه های ارگ را به روی مظاهره چپان می بستند، کسی نمیتوانست داخل ارگ شود، مگر آنکه دروازه به وسیله بمب یا تانک شکستاده می شد. روز بعد دوستی به من تلفون کرد و این جمله را گفت: «ارگ مثل زمان شهید داؤد خان شاید از داخل سقوط میکرد». این سخن پر معنی واقعاً مرا تکان داد و با خود گفتم که اگر ارگ مصئون نباشد، افغانستان را چطور میتوان مصئون ساخت. اما گمان نمیکنم که محافظان ارگ و یا بالا رتبه های آن وابسته به حلقه های خاص باشند و به چنین کارهای دست بزنند که مغایر به اصل وظیفوی و ملی شان باشد. (پایان) مورخ 21 جولای 2014

زنده باد افغانستان
سربلند باد ملت قهرمان افغانستان

د پانو شمیره: له 18 تر 18

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ